

## سخنرانی در دیدار با قاریان چهل کشور جهان و جمعی از روشن ضمیران، در سالروز بعثت رسول اکرم (ص) - 4 اسفند/ 1368

بسم الله الرحمن الرحيم

در ابتدا، این عید عظیم و بعثت بی نظیر الهی را که امروز شما مؤمنین به اسلام و آزادتمندان به نبی اکرم (ص) صلی الله علیه و آله وسلم) یاد و خاطره‌ی آن را جشن گرفتید، به هم‌هی مسلمین جهان و مردم انقلابی کشورمان و به شما برادران و خواهران، تبریک عرض می‌کنم.

مسأله‌ی بعثت و پدید آمدن این حادثه‌ی الهی، مهمترین مسأله‌ی است که در طول عمر طولانی بشریت، برای او اتفاق افتاده است. در سرنوشت انسان و تاریخ بشر، هیچ حادثه‌ی بی به قدر این حادثه مؤثر نبوده و هیچ لطفی از طرف پروردگار عالم، به عظمت این لطف و فضل برای انسانها، وجود نداشته است. ما افتخار داریم که با هم‌هی وجود، این بعثت عظیم را قبول کردیم و به آن ایمان آوردیم و این راه سعادت را شناختیم. این، خود یک نعمت عظیم الهی است و هر انسان مسلمانی وظیفه دارد که بعثت نبوی را در زندگی شخصی و دنیای خود تحقق ببخشد و با ایمان و عمل و حرکت به سمت هدفهایی که در بعثت نبی اکرم (ص) صلی الله علیه و آله وسلم) وجود داشته است، خود را به بهشت سعادت الهی و معنوی واصل و نایل بکند. البته، ما نمی‌توانیم در معنای بعثت و حقیقت آن، سخنی بگوییم. این حقیقت، والاتر از ذهن و بیرون از دسترس عقول قاصر ماست.

آنچه که امروز در مسأله‌ی بعثت، برای مسلمانان عالم مطرح می‌باشد، دو مطلب است:

اول این که این بعثت و سرچشمه، زنده و جوشان است و این فضل و برکت الهی، برای انسانها در طول تاریخ است و همان‌طور که خدای متعال مکرر در قرآن کریم وعده فرموده است، ظهور این حقیقت برای آن است که بر زندگی بشر غالب بشود و زندگی را به رنگ و شکل خود در بیاورد. این حقیقت، محقق خواهد شد: "لیظهره علی‌الدین کله". مسأله‌ی بعثت، یک حقیقت طبیعی این عالم و یک حالت قطعی و حتمی برای بشریت است. آن عدل و حقی که با بعثت خاتم‌الانبیاء (ص) در عالم مطرح شد، برای این نبود که جمعی از مردم در برهه‌ی از زمان، آن را قبول بکنند و بخش عظیمی از تاریخ بشر و انسانها، آن را نپذیرند؛ بلکه مطرح شد تا عالم و انسان را طبق پیشنهاد خود بسازد و بشریت و هم‌هی وجود را - به تبع بشر - از این راه به کمال برساند و این خواهد شد؛ اگر نشود، نقض غرض خواهد بود.

البته، حرکت به سمت این مقصود، حرکتی است که با شرایط و علل و عوامل متناسب با خود، انجام می‌گیرد و ما به سمت این حقیقت می‌رویم و هر قدمی که بشر بر می‌دارد - چه خود او بخواهد، چه نخواهد؛ حتی چه بداند و چه نداند - به حقیقت بعثت نزدیکتر می‌شود.

امروز، آنچه که از شعارها در دنیا مطرح است، همان بعثت الهی است؛ اگر چه غالباً عملی تحت آن شعارها نیست؛ مثل شعار عدالت اجتماعی، آزادی و آزادی، علم و دانش و ترقی خواهی، تعالی سطح زندگی و دیگر شعارهایی که دولتها و ملتها و صاحبان افکار و مکاتب، آنها را می‌دهند. نفس این شعارها در دنیا، به برکت بعثتها و بعثت آخرین (بعثت خاتم) مطرح شده است که البته به شکل ناقصش، در دست مردم وجود دارد و بعضی به سمت آن حرکت می‌کنند.

امروز، ما و هم‌هی بشریت، به سمت تدین به مفاهیم و ارزشهای این بعثت حرکت می‌کنیم و ما در جمهوری اسلامی مفتخریم که جزو انسانها و ملت‌هایی هستیم که شعار دین و عمل به قرآن را در زندگی خود محقق و پیاده کرده‌ایم و به سمت کمال تحقق آن پیش می‌رویم. ما مفتخریم که این حقیقت را شناخته‌ایم، آن را دیده‌ایم، به آن عشق ورزیده‌ایم، حرکت به سمت آن را شروع کرده‌ایم و به میزان زیادی پیش رفته‌ایم. هم‌هی دنیا و هم‌هی بشریت، باید همین راه را طی کنند و طی خواهند کرد.

مطلب دوم، در مورد شخص نبی اکرم (ص) صلی الله علیه و آله وسلم) است. نام و یاد و محبت و حرمت و تکریم این

بزرگوار، محور اصلی برای تجمع همه‌ی آحاد مسلمان در همه‌ی دوره‌های اسلامی است. هیچ نقطه‌ی دیگری در مجموعه‌ی دین وجود ندارد که این طور از همه‌ی جهات - هم جهات عقلی، هم جهات عاطفی، هم جهات روحی و معنوی و اخلاقی - مورد قبول و توافق و تفاهم همه‌ی فرق و آحاد مسلمین باشد. این، آن نقطه‌ی مرکزی و محوری است.

قرآن و کعبه و فریض و عقاید، همه مشترکند؛ اما هر کدام از اینها، یک بعد از شخصیت انسان - مثل اعتقاد، محبت، گرایش روحی، حالت تقلید و تشبه و تخلق عملی - را به خود متوجه می‌کند. وانگهی در میان مسلمانها، غالب این چیزهایی که گفته شد، با تفسیرها و دیدگاه‌های مختلف مورد توجه است؛ اما آنچه که همه‌ی مسلمانها از لحاظ فکر و اعتقاد و - مهمتر از عاطفه و احساس - وحدت و تفاهم، روی او اشتراک دارند، وجود مقدس پیامبر خاتم و نبی اکرم حضرت محمد بن عبدالله ( صلی الله علیه و آله و سلم ) است. این نقطه را باید بزرگ شمرد. این محبت را باید روزبه‌روز بیشتر کرد و این گرایش معنوی و روحی به آن وجود مقدس را باید در ذهن مسلمین و در دل آحاد مردم تشدید کرد.

شما می‌بینید که در توطئه و تهاجم فرهنگی به اسلام، یکی از قسمتهایی که مورد توطئه‌ی خباثت‌آمیز دشمن قرار می‌گیرد، همین وجود مقدس و بزرگوار است که در آن کتاب شیطانی مورد تهاجم قرار گرفت و نشان داد که توطئه‌ی دشمن در مجموعه‌ی عقاید و عواطف ملت مسلمان، به کجاها ناظر است.

نکته‌ی آخری که مطرح می‌کنم، توجه به قرآن است که بحمدالله بعد از پیروزی انقلاب، در میان ملت ما روزافزون بوده است و من باید از برادران عزیز که این مراسم و تشکیلات و دعوت و مسابقات و تشویق عمومی را برای ملتمان فراهم کردند و نیز از برادران عزیزمان در حج و اوقاف که به این مسأله اهتمام ورزیدند، صمیمانه تشکر کنم. این اهتمام، جای تقدیر و شکرگزاری دارد؛ اما حتی از این هم بیشتر و وسیعتر، باید نسبت به امر قرآن اهتمام ورزید؛ زیرا قرآن همه چیز ماست.

ما باید قبول کنیم که ملت ما در نیم قرن پیش از پیروزی انقلاب - که واقعا مدت کمی نیست - روزبه‌روز از قرآن فاصله گرفته و دور شده است. تا قبل از این نیم قرن، مردم ما - حتی آنهایی که سواد خواندن و نوشتن نداشتند - غالبا می‌توانستند قرآن را از رو بخوانند. به همین جهت، این مکتبخانه‌ها نعمت بزرگی بود. چه قدر کسانی از افراد مسن نسل قبل را ما می‌شناختیم که سواد خواندن و نوشتن نداشتند، نمی‌توانستند فارسی بخوانند و با آن که زبانشان فارسی بود، نمی‌توانستند زبان خودشان را به صورت مکتوب بنویسند و بخوانند؛ اما می‌توانستند کتاب خدا را بخوانند و قرآن را بفهمند.

آن سیاستی که رژیم وابسته‌ی فاسد خبیث دشمن را در این کشور بر سر کار آورد و بیش از پنجاه سال مسلط نگهداشت، یکی از بزرگترین ضربه‌هایی که زد و ضررهایی که وارد کرد، همین بود که قرآن را بتدریج کنار گذاشت؛ تا آنجا که از میان جامعه‌ی ما، قرآن بیرون رفت. لذا در مدارس ما، درس موسیقی می‌دادند؛ اما از آموزش قرآن خبری نبود! هر بچه‌ی که به دبستان و دبیرستان می‌رفت، نت موسیقی را یاد می‌گرفت؛ اما متن قرآن کریم را نمی‌آموخت! بنابراین، ما را جدا کردند و از قرآن دور نگهداشتند.

من پیش از انقلاب، وقتی به وضع قرآن در جامعه‌ی خودمان نگاه می‌کردم و جوانهایی را که با این استعداد و شوق و علاقه، از قرآن دور می‌ماندند، می‌دیدم، چه خون دلی می‌خوردم. خدا را شکر می‌کنیم - هرچند از ادای این شکر عاجزیم - که با پیروزی انقلاب، ما را به قرآن برگرداند و با قرآن آشنا کرد و راه قرآن را به روی ما باز کرد. ما باید عقب‌ماندگی‌ها را جبران کنیم. ما با کسانی که زبان مادریشان عربی است، فرق داریم. آنها با اندکی سواد، می‌توانند قرآن را بفهمند. البته، متن قرآن متنی نیست که هر عرب بی‌سوادی بتواند آن را درست بفهمد. مقداری معلومات و معارف لازم است؛ اما بالاخره می‌توانند بفهمند؛ در صورتی که فارسی‌زبانها این طور نیستند. ما باید علاوه بر خواندن متن قرآن، ترجمه‌ی آن را هم یاد بگیریم. امروز، بحمدالله جوانهایی ما قرآن خوان هستند و خوب هم می‌خوانند. در سرتاسر کشور، ما قرآنی با ارزش و ممتازی داریم که وقتی در مسابقات جهانی شرکت می‌کنند، گوی سبقت را از بقیه‌ی کشورها می‌ربایند و بحمدالله از این گونه قراء کم هم نداریم.

غیر از آنچه که تاکنون انجام گرفته، دو کار دیگر باید انجام بگیرد:

اول این که بایستی روخوانی قرآن، تمام ملت ما را شامل بشود. نباید یک نفر در میان ملت ما بماند که قادر نباشد قرآن را باز کند و به صورت صحیح بخواند. زن و مرد و کوچک و بزرگ و پیر و جوان، باید بتوانند قرآن را بخوانند. البته، باید برای این کار برنامه‌ریزی بشود. سازمان اوقاف، سازمان تبلیغات اسلامی، وزارت آموزش و پرورش، سازمانهای گوناگون و مؤسسات دیگری که به عشق قرآن به وجود آمده‌اند، باید این کار را در ردیف اول وظایف خودشان قرار بدهند. این کار باید انجام بگیرد. نمی‌شود در کشوری که بر مبنای اسلام اداره می‌شود، قرآن را به دست یک نفر بدهیم و بگوییم بخواند، اما نتواند این کتاب عزیز را باز کند و بخواند. بنابراین، همه باید بتوانند قرآن را بخوانند. البته، این قدم اول است.

کار دوم، رفتن به سمت فهم قرآن است. قرآن باید ترجمه بشود. ما تا امروز، ترجمه‌ی خوب کم داشته‌ایم و از این جهت فقیریم. بعضی از ترجمه‌هایی که در دسترس می‌باشد، بهتر است که اصلاً نباشد؛ زیرا مورد اعتماد نیست! البته، بعضی بهتر است و بعضی هم نسبتاً خوب می‌باشد که اخیراً در دسترس قرار گرفته است. باید قرآن با ترجمه‌های متعدد منتشر شود. تعدد و تکرار، هیچ ایرادی ندارد و زیادی نیست. اگر ما ده ترجمه‌ی خوب قرآن هم داشته باشیم، زیاد نیست؛ زیرا هرکسی با مذاق و سبک فکر و سطح معلومات خود، از یکی از آنها خواهد توانست استفاده کند. بنابراین، تعدد و تکرار اشکالی ندارد؛ منتها ترجمه باید صحیح باشد و اهل فن آن را ببینند. مردم، این ترجمه‌ی صحیح را با متن قرآن بخوانند و بخصوص شما که قرآن را تلاوت می‌کنید، آن قسمتی را که می‌خوانید، حتماً ترجمه‌اش را بفهمید و بدانید که بدون دانستن ترجمه‌ی قرآن، قادر به تلاوت خوب نخواهید بود.

من، به برادرانی که اهل تلاوت قرآنند، مکرر یادآور شده‌ام که شما نمی‌توانید خوب تلاوت بکنید؛ در حالی که نمی‌دانید کجا باید وصل کنید، کجا باید وقف کنید و کجا را مناسب است با چه لحنی بخوانید. در حرف زدن معمولی هم، شما صدایتان را بالا می‌برید، پایین می‌آورید و بر تأثیرگذاری سخن می‌افزایید. اینها، لازمه‌ی کلام است. وقتی قرآن را تلاوت می‌کنید، باید بتوانید این کارها را بکنید و بدون اطلاع نمی‌شود این کارها را انجام داد. حفظ قرآن، قدم بعدی است که هرکس توفیق پیدا بکند، یقیناً خیر کثیری به دست آورده است. امیدواریم که خداوند همه‌ی ما را در دنیا و آخرت با قرآن محشور کند. ان شاء الله زندگی ما قرآنی باشد و به سمت اهداف این کتاب شریف حرکت کنیم و ممانعت ما هم با معرفت قرآن و در خدمت آن قرار گیرد. والسلام علیکم ورحمة الله و بركاته